



شماره ۶۷۰، دوره هشتم
سال بیستم، ۸ مهر ماه ۱۳۸۲

۱۱ سپتامبر، روشنگری های بی سابقه درباره سؤال های بی پاسخ!

* مایکل میچر، وزیر کابینه
دولت بلر که امسال از پست خود بر
کنار شد، معتقد است که جنگ بر
ضد تروریسم فقط یک پرده دود

* پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به
کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثریت) در صفحات ۴ و ۵
* حزب توده ایران از حرکت فعالان
سیاسی، مطبوعاتی و دانشگاهی کشور در
اعتراض به نقض حقوق اولیه و انسانی
زندانیان سیاسی حمایت می کند
در صفحه ۳

است. او معتقد است ایالات متحده قبل از ۱۱ سپتامبر، از
حمله به نیویورک مطلع بوده اما به دلایل استراتژیک
تصمیم می گیرد که در رابطه با اعلام خطر هایی که
شده بود، اقدامی نکنند. حمله ۱۱ سپتامبر «بهاثه ذبیحیتی
برای حمله به افغانستان ایجاد کرد. جنگی که از قبل
مشخصاً برنامه ریزی و تصمیم گیری شده بود.»
* مایکل میچر می گوید که هدف آمریکا «تسلط بر جهان
برای تثبیت، تضمین کنترل و فرمانروایی بر منابع نفت
است»

ادامه در صفحه ۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالگرد تأسیس حزب پیکار شصت و دوساله حزب توده ها در راه رهایی ایران از بندهای استبداد و استثمار و برای استقرار آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی



هم میهنان آگاه

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۸۲، شصت و دوسال از تأسیس حزب
توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما می گذرد. شصت و
دوسال پیش، حزبی در میهن ما پایه عرصه پیکار گذاشت که برنامه و
اهداف دور و نزدیکش، نه دفاع از نظام حاکم، نه مجیز گویی حاکمان
مستبد و فاسد به قصد رسیدن به اهرم های قدرت، بلکه تلاش در راه
رهایی کارگران و زحمتکشان از بندهای استثمار و استعمار و پایه ریزی
نظامی بود که در آن انسان ها بتوانند بر اساس عدالت اجتماعی و برابری
حقوق به بنا کردن کشوری آباد و آزاد کمر همت بندند. نیازهای رشد
اجتماعی - اقتصادی میهن ما در آن دوران، در کنار تحولات مهم جهانی،
از جمله مبارزه بشریت مترقی بر ضد بلیه فاشیسم سر برآورده از درون نظام
سرمایه داری، می طلبد تا حزبی رزمنده، انقلابی و متعهد به منافع خلق
های میهن ما پدید آید و مبارزه اکثریت محروم جامعه ما را سازمان دهی
کند.

دوساله حزب ما را زیر ذره بین کاوش پیدا کردن کاستی ها و دشواری ها قرار
داده اند. نکته یی که در این مجموعه انکار ناپذیر است این است که کمتر
حادثه مهم تاریخی را در میهن ما می توان نشان داد که اثر مستقیم و یا غیر
مستقیم حضور و فعالیت حزب توده ایران و توده یی ها در آن دیده نشود.
مبارزه پیگیر بر ضد فاشیسم، بردن آگاهی و سازمان دهی طبقه کارگر و
زحمتکشان، تلاش در راه سازمان دهی پیکار زنان برای احقاق حقوق پایمال
شده شان و ایجاد جنبش صنفی دانشجویان، مبارزه قاطع بر ضد توطئه های
استعمارگران در غارت منابع ملی میهن در کنار انتشار صدها و صدها کتاب،
مجله، روزنامه و نشریه که فضای فرهنگی سیاسی جامعه ما را به کلی دگرگون
کرد تنها گوشه هایی از تأثیرات حزب ما بر جامعه ایران است. بررغم بیش از
پنج حمله خونین، خشن و سرکوبگرانه حکومت ها و رژیم های استبدادی در
شش دهه گذشته، بررغم هزاران شهید و ده ها هزار سال زندان و تبعیدی که
توده ای ها تحمل کرده اند و با وجود شصت و دو سال حملات تبلیغاتی
گسترده و قطع ناشدنی با همراهی دولت های خارجی، حزب توده ایران
همچنان توانسته است ققنوس وار به حیات پر افتخار خود ادامه دهد و پرچم پر
افتخار رزم طبقه کارگر و متحدان آن را همچنان در اهتزاز نگاه دارد. راز
ماندگاری حزب ما ریشه های عمیق آن در درون جامعه ما و آبیاری آنها
توسط کارگران و زحمتکشان ایران است.

هم میهنان گرامی

حزب ما در شرایطی به استقبال شصت و دومین سالگرد حیات پر فراز و
نشیب می رود که میهن ما دوران بسیار خطرناک و پر تنش را پشت سر می

تأسیس حزب توده ایران در دهم مهرماه ۱۳۲۰، نقطه عطف در
مبارزاتی بود که کمونیست ها و روشنفکران ایران برای دهه ها بر ضد
رژیم مستبد رضا شاه به پیش برده بودند. زندانیان سیاسی آزاد شده از
زندان های ستم شاهی، یاران و پیروان آموزگار بزرگ زحمتکشان میهن
ما، دکتر ارانی و دیگر آزادی خواهان دوران حزبی واقعا مردمی را پایه
گذاری کردند که توانست تأثیرات مهمی را بر حیات و تاریخ معاصر
میهن ما و جنبش رهایی بخش آن برجای گذارد.

تاریخ نویسان، منتقدان و مخالفان سیاسی و دوستان و دشمنان حزب
توده ایران چه بسیار مطلب نگاشته و گوشه های مختلف تاریخ شصت و

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

رشد اقتصادی از ادعا تا واقعیت

طی ماههای گذشته، در تبلیغات رسمی رژیم ولایت فقیه نکته یی برجسته به چشم می خورد، و کلیه مسئولان این رژیم گاه و بیگاه با آب و تاب فراوان پیرامون آن داد سخن می دهند! رشد اقتصادی، برنامه کارآمد توسعه و مسیر موفقیت آمیز اقتصادی از جمله این تبلیغات هستند که، تقریباً همه روزه با آن در رسانه های همگانی جمهوری اسلامی روبرو می باشیم.

خامنه ای ولی فقیه در سخنانی در اواسط مرداد ماه سال جاری خورشیدی با اشاره به کامیابی های حکومت در امور اقتصادی و تاکید بر برنامه چهارم توسعه که، تهیه و تدوین آن به پایان رسیده است، گفت: بر اساس روال منطقی، دولت همچون برنامه سوم توسعه، با دقت و کار کارشناسی سیاستهای حاکم بر برنامه چهارم را تهیه و به رهبری پیشنهاد خواهد کرد و رهبری نیز این پیشنهاد را برای بررسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام خواهد فرستاد و پس از آن و بررسی در مجمع و تایید رهبری، دولت برنامه چهارم توسعه را بر اساس این سیاستها تنظیم خواهد کرد... رونق اقتصادی و رشد اقتصادی، اشتغال، کاهش تورم و خودکفایی در اقلام کشاورزی... تامین حقوق شهروندی و آزادی به شکل صحیح نه افراطی و تقلیدی از دیگر شاخص ها و چشم انداز حرکت آینده نظام طی ده سال و برنامه چهارم توسعه هستند. خامنه ای با بیان این سخنان و تاکید بر رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی و ثمربخش خواندن فعالیت در این زمینه، با صراحت برنامه های کنونی را مبنایی برای برنامه چهارم توسعه و حرکت ده سال آینده نظام توصیف نمود و به این ترتیب نسخه های ارایه شده از سوی صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را بار دیگر مورد تایید کامل قرار داد. به دنبال این سخنان، در اواخر مرداد ماه، در جلسه هیات وزیران به ریاست محمد خاتمی، سیاستهای کلی برنامه پنجساله چهارم به تصویب نهایی رسید و مقرر گردید پس از تکمیل کارشناسی برای تصمیم گیری به ولی فقیه ارسال شود. هیات دولت برنامه های فعلی را که موفقیت آمیز نامیده، مبنای سیاستهای برنامه چهارم اعلام کرده است.

از دیگر سو، در نشست مشترک دولت و مجلس که، چندی پیش برگزار گردید، برخی از نمایندگان از طیف اصلاح طلبان حکومتی با تاکید بر دستاوردهای درخشان دولت در زمینه اقتصادی، از جمله رشد بالا و قابل قبول به زعم خود خواستار معرفی شفاف تلاش های دلسوزان نظام در مسایل اقتصادی شدند.

علاوه بر این، در جریان مراسم گشایش ۲ طرح بزرگ صنعتی در استان اصفهان، یعنی طرح عظیم فولاد سبا در ذوب آهن و طرح پُر اهمیت کارخانه تولید ورق قلع اندود در مجمع فولاد مبارکه، محمد خاتمی طی سخنانی از جمله یادآور شد: بدون شک ایران در عرصه تولید محصولات صنعتی به پیشرفتهای ارزشمندی دست یافته است و ما آمادگی داریم خدمات فنی و مهندسی خود را به خارج از ایران صادر کنیم. ما رشد اقتصادی داریم برای دست یافتن به آینده ای درخشان باید برای پیشرفت عزم جدی داشت و به لوازم و الزامات آن نیز در عرصه های سیاسی، اجتماعی، دیپلماسی و قضایی تن داد... وی سپس اضافه کرد: برای توسعه صنعت باید امکانات خارجی را جذب کنیم... فعال شدن بخش خصوصی در عرصه صنعت و واحدهای پایین دستی صنایع فولاد حائز اهمیت است... ما در صنعت رشد ۵/۱۱ درصدی داشته ایم و در مسیر اقتصادی موفقیت آمیز هستیم.

همچنین، همزمان با گشایش طرح های صنعتی عظیم در اصفهان اعلام شد، بزرگترین مجتمع فولاد شمال کشور بوسیله بخش خصوصی در استان گیلان در شهر صنعتی رشت احداث خواهد شد. اعتبارات برای این طرح ۲ هزار میلیارد ریال پیش بینی گردیده. بنا به گفته استاندار گیلان، این مجتمع با جذب سرمایه خارجی و توسعه بخش خصوصی به مرحله عمل خواهد رسید! علاوه بر صنایع ذوب آهن و فولاد، احداث نیروگاه های متعددی نیز به بخش خصوصی واگذار می شود. وزیر نیرو طی مصاحبه ای یادآور شد، وزارت نیرو با توجه به سیاست کلی دولت همه گونه امکانات را در اختیار بخش خصوصی برای احداث نیروگاه قرار می دهد. در همین مصاحبه خاطر نشان گردید که، هم اکنون اولین طرح احداث نیروگاه با مشارکت بخش خصوصی و جذب سرمایه خارجی مراحل مقدماتی خود را طی می

کند، قرار است نیروگاه مذکور در منطقه رودشور احداث شود. جالب اینکه وزیر نیرو طرف قرارداد را که، بخش خصوصی است، بنیاد مستضعفان معرفی کرده است. این بنیاد انگلی به نام بخش خصوصی در ارتباط با شرکتهای خارجی، طرف قراردادهای بسیار پُر منفعت با دولت جمهوری اسلامی است، و همین نوع قراردادها و طرح هاست که، به زعم مسئولان رژیم ولایت فقیه سبب رشد اقتصادی در کشور شده است! در گمرکات کشور نیز تغییرات وسیع در جریان است، تا زمینه های رشد و پیشرفت اقتصادی هر چه بیشتر فراهم آید. رئیس کل گمرک جمهوری اسلامی در مصاحبه یی با صدا و سیمای رژیم یادآور شد؛ قانون امور گمرکی کشور باید بازبینی شود، پیش نویس این تغییرات به هیات وزیران ارایه گردیده کاهش تعرفه ها و موانع گمرکی در راستای تشویق بخش خصوصی و سرمایه گذاران خارجی زیربنای این بازبینی در قوانین گمرکی است، زیرا باید خود را با وضعیت کنونی اقتصاد جهان همراه کنیم. با توجه به قوانین جدید مجموع صادرات کالاهای غیر نفتی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۸/۲۶ درصد رشد داشته است.

در کنار این مسایل، در جریان همایش بین المللی سرمایه گذاری خارجی که در شهر تبریز مرکز استان آذربایجان شرقی برگزار شد، موضعگیری مسئولان رژیم کاملاً گویای اهداف بلند مدت رژیم ولایت فقیه بود. طهماسب مظاهری وزیر اقتصاد در این همایش تاکید نمود: شرایط فراهم شده، یعنی معافتهای مالیاتی، حذف تعرفه های گمرکی و تامین امنیت حقوقی و قضایی سرمایه و تصویب قانون تشویق سرمایه گذاری داخلی و خارجی، زمینه توسعه و تنوع ابزارهای سرمایه گذاری و انطباق با مقتضیات بازارهای جهانی را در کشور بوجود آورده است... همه اینها در جهت رشد اقتصادی کشور قابل توجه است. در همایش تبریز، رییس سازمان سرمایه گذاری جمهوری اسلامی یادآور گردید: ریسک سرمایه گذاری در ایران در سه سال اخیر از رقم شش به چهار کاهش یافته و با تدابیر جدید این رقم به زودی به رقم سه تنزل خواهد کرد. عملکرد سرمایه گذاری در ایران نسبت به سال ۲۰۰۰ میلادی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بهبود و رشد یافته است. امیدواریم با بستر سازی سیاسی، قضایی و فنی این پتانسیل بهبود یابد. «مطابق آمار ارایه شده در همایش فوق الذکر، حجم تقاضا برای سرمایه گذاری با توجه به سیاستهای جمهوری اسلامی، در یک سال اخیر، به اندازه ۱۰ سال گذشته بوده است. در همین همایش اعلام شد، ستادهایی به منظور جذب سرمایه خارجی در ۲۸ استان کشور ایجاد می شود که برنامه آنها تامین امنیت سرمایه و ارایه خدمات سریع و رایگان به سرمایه گذاران خارجی است. همه این تمهیدات سخت عنوان اقداماتی که، رشد اقتصادی را سبب گردیده صورت می پذیرد. وزیر کشور نیز در جریان گردهمایی علما و روحانیون استان خراسان در اواخر مرداد ماه امسال، در تمجید از سیاستهای اقتصادی رژیم ولایت فقیه از جمله خاطر نشان ساخت: خوشبختانه مسیری که جمهوری اسلامی در زمینه اقتصادی طی کرده موجب رشد اقتصادی ۴/۷ درصدی شده است... در زمینه زیر ساخت های اقتصادی کشور نیز اقدام های مناسبی در این مدت صورت گرفته است که انجام این زیر ساخت ها نشان از عزم کشور به سمت توسعه اقتصادی دارد.

البته نه وزیر کشور و نه هیچیک از مقامات رژیم ولایت فقیه که، از رشد اقتصادی سخن می گویند، روشن نمی سازند منظور کدام اقدامات و مسیر موفقیت آمیز است و دستاوردهای این کامیابی ها چیست؟! به این ترتیب، رشد اقتصادی آنهم ۴/۷ درصدی مبنایی است که، سران جمهوری اسلامی با استناد به آن از موفقیت های بزرگ دم می زنند و جالب اینکه همگی نیز بلا استثناء گزارش صندوق بین المللی پول را پشتوانه تبلیغات خود قرار می دهند. در حالیکه آنچه به

ادامه در صفحه ۳

ادامه رشد اقتصادی از ادعا تا واقعیت ...

نام رشد اقتصادی در گزارش صندوق بین المللی پول در رابطه با جمهوری اسلامی قید شده، همانگونه که، ما بارها تاکید کرده ایم توانایی بالقوه رژیم برای بازپرداخت بدهی های خارجی و نیز امکان خرید های کلان از کشورهای پیشرفته سرمایه داری است و بس!

لذا ما، در جمهوری اسلامی با رشد اقتصادی به معنای واقعی و عملی آن روبرو نیستیم. اصولاً رشد اقتصادی مقوله یی است بغرنج و پیچیده، که ارتباط مستقیم با چگونگی ساختار اقتصاد ملی دارد. به این معنی که، ساختار اقتصاد ملی تاثیر فوق العاده یی در چگونگی روند تجدید تولید گسترده و استفاده ثمربخش از مجموعه منابع مادی دارد، که این نیز به نوبه خود نشان دهنده ماهیت کمی و کیفی رشد اقتصادی است. بطور کلی و از نقطه نظر علمی، رشد اقتصادی به معنی تجدید تولید فزاینده کل تولید اجتماعی می باشد. نقش و اهمیت رشته های مختلف اقتصاد ملی (مانند صنعت، کشاورزی، ساختمان، ترابری، بازرگانی و ...) در ایجاد کل تولید اجتماعی گوناگون است. بطور مثال در زمان حکومت ضد ملی پهلوی، آهنگ فزاینده رشد اقتصادی در وهله نخست به حساب افزایش تولید نفت و بویژه بالا رفتن قیمت نفت در بازارهای جهانی بود، امری که وابستگی ژرف اقتصادی ملی را به یک کالا-نفت- نشان می داد.

اینک، نیز علیرغم تبلیغات پُر سروصدا و مردم فریبانه رهبران رژیم ولایت فقیه، رشد اقتصادی که، از آن دم زده می شود، ناشی از افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی بوده است و این خود نمودار کامل ساختار اقتصادی ملی است. اتفاقاً صندوق بین المللی پول هم در گزارش مفصل خود راجع به ایران یکی از دلایل رشد اقتصادی را چنین عنوان کرده است: قیمت بالای نفت، شرایط اقتصادی کلان ایران را با رشد مواجه کرده و اطمینان داخلی و سرمایه گذاری خارجی را افزایش داده است. (رجوع کنید به گزارش صندوق بین المللی پول که در پنج فصل در ارتباط با ایران تنظیم شده است).

در ارتباط با رشد اقتصادی مسئولان رژیم، بویژه اصلاح طلبان حکومتی از الزامات سیاسی، قضایی و قانونی و اجتماعی مرتبط با برنامه های اقتصادی سخن به میان می آوردند. باید پرسید این الزامات چیست و به سود کدام طبقات و اقشار اجتماعی است؟! به اعتقاد ما، هدف از تامین رشد اقتصادی ترفیع زندگی مادی از طریق ایجاد کیفیت نوین بهبود زندگی توده های مردم کارگران، زحمتکشان و اقشار میانه حال جامعه، همگام با تامین شرایط لازم برای رشد معنوی همه جانبه و گسترش مداوم دامنه دموکراسی است که این نیز به نوبه خود در راستای تامین نیازهای مبرم برای کلیه افراد جامعه در زمینه های غذایی، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و ایجاد شرایطی است که هر فرد قادر به انتخاب شغل بوده و آنچنان شرایط پدید آورد که، در آن از ایجاد دو قطب متضاد ثروت و فقر ممانعت به عمل آورده شود.

تبلیغات رژیم ولایت فقیه در مورد دست آوردهای چشم گیر در امور اقتصادی و رشد بالای اقتصادی، فاقد هر گونه پایه منطقی و واقعی است. در چارچوب سمت گیری اقتصادی- اجتماعی کنونی جمهوری اسلامی هرگونه اقدامی با توجه به ساختار اقتصادی ملی، موجب ژرفش شکاف طبقاتی، توزیع ناعادلانه ثروت و فرجه تر شدن طبقات و اقشار انگلی جامعه به بهای فقر و تیره روزی اکثریت مردم کشور ماست!

حزب توده ایران از حرکت فعالان سیاسی،

مطبوعاتی و دانشگاهی کشور در اعتراض به نقض

حقوق اولیه و انسانی زندانیان سیاسی

حمایت می کند

آغاز «روزه سیاسی» صدها تن از فعالان سیاسی، مطبوعاتی و دانشگاهی کشور در اعتراض به نقض حقوق اولیه و انسانی زندانیان سیاسی حرکت مثبت و با ارزشی در زمینه افشای ظلم و جور دستگاه قضایی و نهادهای سرکوبگر رژیم بر ضد صدها زندانی سیاسی است که با زیر پا گذاشتن خشن حقوق بشر و تنها به جرم مخالفت با استبداد و دگراندیشی در زندان های رژیم زیر شکنجه و فشارهای شدید غیر انسانی قرار دارند.

پیوستن صدها تن از نیروهای دگراندیش، ملی؛ مذهبی و شمار زیادی از شخصیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور به این حرکت نشانگر وسعت همبستگی در این مبارزه واحد است و می تواند نخستین گام در راه حرکت به سمت ایجاد اتحادی فرا گیر بر ضد رژیم استبدادی حاکم گردد.

شماری از فعالان ملی - مذهبی در توضیح نیاز به «روزه سیاسی» مجدد در روزهای اخیر از جمله یاد آور شده بودند که انتظارداشتند تا نخستین اقدام اعتراضی و «پیام این اقدام انسانی و مدنی که با حمایت زیادی مواجه شد، مسئولان را به تأمل وامیداشت و نسبت به احقاق حقوق کلیه زندانیان، به خصوص زندانیان موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی اقدام مقتضی صورت می پذیرفت. علیرغم این انتظار متأسفیم که به استحضار ملت آگاه برسانیم هیچ اقدام مثبتی در زمینه کاهش شرایط سخت نگهداری و پایان دادن رفتار غیرقانونی علیه زندانیان صورت نگرفته است و در حالی که همچنان اخبار نگران کننده ای درباره سلامت جسمی بعضی از آنان به گوش می رسد، به رنجنامه ها و شکایات قانونی در این زمینه رسیدگی نمی شود.» ادامه اعتراض و گسترش آن به بخش های وسیع تری از جامعه در مقابل بی توجهی سران رژیم ولایت فقیه یگانه راه برخورد با کسانی است که حفظ پایه های حکومت استبدادی خود را در ادامه خفقان و سرکوب کنونی می بینند.

حزب توده ایران در کنار سایر نیروهای آزادی خواه و ملی میهن ما ضمن حمایت از این اقدام اعتراضی همه آزادی خواهان کشور را به اتحاد عمل در مقابل مرتجعان حاکم فرا می خواند. باید با گسترش اعتراض های مردمی و بسیج نیروهای اجتماعی، از جمله کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، جوانان و زنان کشور مرتجعان حاکم را به عقب نشینی وادار کرد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

هفتم مهر ماه ۱۳۸۲

آزادی برای همه زندانیان

سیاسی ایران!

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

برای فیصله دادن به جنبش مردمی و بازگرداندن اوضاع به پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ است. در مقابل این تهاجمات جبهه دوم خرداد هم اکنون در سردرگمی و بی تصمیمی خطرناکی به سر می برد. سؤال اساسی این است که در شرایط کنونی چگونه باید به استقبال حوادث آینده رفت؟ حزب ما معتقد است که در شرایط کنونی باید همه تلاش ها متوجه سازمان دهی جنبش مستقل توده ای خارج از چارچوب های حاکمیت و مرزهای ارتجاعی «خودی» و «غیر خودی» باشد. زیرا مساله اتحاد ها و تشکیل یک جبهه واحد از همه احزاب و سازمان های آزادی خواه و دموکرات تنها راه ممکن برای مقابله با ارتجاع و استبداد است. تنها از این طریق است که می توان راه را برای ایجاد تحولات اساسی در جامعه گشود.

حزب توده ایران در چهارمین کنگره خود که در بهمن ماه ۱۳۷۶ یعنی هفت ماه پس از پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ۷۶ برگزار شد، در گزارش خود تاکید کرده بود که حزب ما، عامل اصلی نابسامانی ها و گرفتاری های جامعه و میهن ما را در ساختار حاکمیت سیاسی کشور می داند. ما در تحلیل طبقاتی خود از حاکمیت خاطر نشان کردیم که رژیم را نماینده ارتجاعی ترین و ضد مردمی ترین طبقات و قشرهای جامعه می دانیم که هدفی جز تأمین منافع خود در حفظ حاکمیت سیاسی دنبال نمی کند. و اعلام کردیم که روحانیون حاکم کارنامه سیاهی از سرکوب نیروهای مترقی و جنایت های سنگین علیه آنان و معترضان به سیاست های ضد دموکراتیک و ضد مردمی رژیم حاکم و نیز خیانت به اهداف اصلی انقلاب، یعنی آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی با خود دارند که جای هیچ گونه خوش خیالی در مورد عملکرد آنان باقی نمی گذارد. ارائه این ارزیابی در کنار تأکید بر نادرستی خوش بینی هایی که درباره توان و امکانات خاتمی، به عنوان رئیس جمهور منتخب دامن زده می شد، از نکات مهم ارزیابی های حزب ما درباره اوضاع آن روز ایران بود. در آن شرایط برخی از نیروهای سیاسی و جریانات راست در اپوزیسیون، حزب توده ایران را به تندروی و عدم درک واقع بینانه از تحولات ایران متهم می کردند. آن ها معتقد بودند که پیروزی خاتمی یعنی پایان حاکمیت ارتجاع و این تنها راه ممکن برای تحقق «جامعه مدنی» و «حکومت مردم سالاری» است، با این وجود، ما هم چنان بر این اعتقاد بودیم، که در چارچوب رژیم ولایت فقیه تحقق جامعه مدنی، استقرار قانون و دست یابی به عدالت اجتماعی آرزویی بیش نیست.

اما اکنون با گذشت بیش از شش سال از آن تاریخ، اوضاع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی کشور چگونه است و چه ارزیابی از کارنامه روند اصلاحات و دولت خاتمی می توان به دست داد؟

حزب توده ایران با تاکید بر این که دوم خرداد ۱۳۷۶ نقطه عطفی در مبارزات مردم بر ضد رژیم ولایت فقیه بود، اعلام کرد که نارضایی عمیق و گسترده مردم در دوم خرداد همراه با احساس وجود شکاف در بین حکومتیان در بستر اصلاحات و اصلاح طلبی سرریز شد. مبارزه میلیونی مردم و پشتیبانی بی دریغ آن ها از روند اصلاحات، فضای سیاسی نوینی در کشور پدید آورد. از وجوه برجسته این فضا، می توان به بالا رفتن سطح آگاهی سیاسی نیروهای اجتماعی به ویژه زنان، جوانان و دانشجویان اشاره کرد. ولی این ارتقاء سطح آگاهی سیاسی مردم متأسفانه به دلایل مختلف نتوانست به سطح سازمان یافتگی توده ها برای ایجاد تحولی بنیادین در جامعه فرا رود.

طی روزهای ۲ تا ۵ مهرماه نخستین کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برگزار گردید. بنا به دعوت شورای مرکزی سازمان، هیئت نمایندگی بی از سوی رهبری حزب توده ایران در این نشست شرکت کرد. کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت برگزاری این نشست، پیامی به کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) فرستاد، که در جریان کار کنگره توسط یکی از اعضای هیئت نمایندگی حزب قرائت شد و مورد توجه شرکت کنندگان در کنگره قرار گرفت. متن پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران چنین است:

رفقای گرامی!

کمیته مرکزی حزب توده ایران، گرم ترین درودهای اعضا و هواداران حزب توده ایران را به شما نمایندگان حاضر در کنگره و از طریق شما به اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) تقدیم می کند. قبل از هر چیز به خاطر دعوت صمیمانه از حزب ما برای حضور در این نشست، تشکر کرده و در جهت سیر موفق کار و مباحثات کنگره و دست آوردهای آن برای شما آرزوی موفقیت می کنیم. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اکنون بیش از سه دهه است که در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی مبارزه کرده و در این راه فداکاری های زیادی از خود نشان داده است. و علی رغم پیگردها و سرکوب های خونین و دادن قربانیان زیاد به خاطر سعادت مردم میهن ما، هم چنان با وفاداری به آرمان های انسانی به پیکار خود بر ضد استبداد و ارتجاع ادامه می دهد.

حزب توده ایران در طول این تاریخ، برغم اختلاف نظر در شیوه و شکل مبارزه، برغم تفاوت در دیدگاه ها و ارزیابی های اجتماعی، همواره به پیکار فدائیان خلق به دیده احترام نگریسته است. و درست به خاطر این شناخت از سازمان شما است که همواره تلاش کرده، به سهم خود با برداشتن سدها و موانع موجود با شما به گفت و گو بنشیند و در راه پیدا کردن زمینه های مشترک همکاری گام بردارد.

رفقای عزیز!

کنگره فوق العاده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در شرایطی برگزار می شود که از یک سو حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه و در کنار مرزهای کشور ما همه نیروهای میهن دوست و آزادی خواه را عمیقاً نگران کرده و در این میان امکان خطر حمله نظامی به ایران به بهانه های مختلف نیز منتفی نیست. از سوی دیگر اوضاع کشور به سرعت به سمت بحران همه جانبه و خطرناکی کشیده می شود. حملات وسیع مرتجعان حاکم در هفته های اخیر بر ضد نیروهای دگراندیش و خصوصاً نیروهای رادیکال در صفوف جنبش دانشجویی و هم چنین روزنامه نگاران مستقل و منتقد نشانگر تصمیم قطعی ارتجاع

ادامه پیام کمیته مرکزی حزب ...

گذشته از سیاست مماشات، سازش طلبی و سوزاندن فرصت ها توسط دولت خاتمی و بخش های عمده ای از اصلاح طلبان باید بر عدم وجود یک برنامه مدون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی از جانب این نیروها انگشت گذاشت. بدین معنا که این نیروها در واقع نیازهای واقعی و عاجل اکثریت توده های مردم را به خوبی درک نکرده و توان و اراده اجتماعی لازم را برای رویارویی با مشکلات پیش رو نداشتند. به همین خاطر نیز طی سال های اخیر در زمینه اقتصادی فقط به مجری سیاست های صندوق بین المللی پول تبدیل شده اند. در نتیجه نه تنها از شدت بحران های اجتماعی کاسته نشد بلکه با بسته شدن کارخانه ها، روند خصوصی سازی و گسترش بیکاری، روند افزایش فقر و محرومیت مردم تشدید گردید. بنابر این در این زمینه نیز دولت خاتمی به بن بست رسید و نتوانست در عرصه اقتصادی و اجتماعی به شعارها و وعده هایی که به مردم داده بود، جامه عمل بپوشاند. مهم ترین ویژگی های سیاست اقتصادی حکومت در چند سال گذشته عبارت است از پاسداری از قداست سرمایه، حمایت بی چون و چرا از بخش خصوصی در اقتصاد به خصوص بخش بازار، بی توجهی به تولید داخلی و عدم سرمایه گذاری و حمایت از این بخش، ورود بی رویه کالاهای خارجی در عین پس رفت تولید داخلی، افزایش ده ها میلیارد دلار بدهی به بانک ها و انحصارات کشورهای سرمایه داری، پدید آمدن یک اقتصاد دلالی که در آن بخش عمده فعالیت های اقتصادی فقط به جابجا شدن پول و ارزش اختصاص دارد.

بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی کشور عامل اصلی اوج گیری نارضایتی توده ها و بی اعتقادی آنان به ساختارهای قدرت را تشکیل می دهد. توده های مردم در ظرف شش سال گذشته به نحو دردناکی تجربه کرده اند که سیاست های اقتصادی دولت خاتمی بر خلاف قول های داده شده نه تنها دردی را از محرومان میهن ما دوا نکرده است، بلکه در عمده ترین خطوط و مشخصه ها ادامه همان سیاست های مخرب و خانمان برانداز دولت هاشمی رفسنجانی است که تنها ثمره اش تشدید دشواری ها، فقر و محرومیت اکثریت عظیم مردم میهن ما بوده است. البته هواداران خاتمی مدعی هستند که، بحران تراشی های جناح مقابل به دولت خاتمی اجازه تحقق برنامه هایش را نداد. ضمن تأیید اصل بحران تراشی مرتجعان و تاریک اندیشان برای دولت خاتمی، واقعیت انکارنا پذیر این است که، دولت خاتمی در شش سال گذشته برنامه قابل دفاع و عمل قابل توجهی در زمینه حمایت از حقوق محرومان و زحمتکشان ارائه نکرده است.

امروز با ارزیابی از کارنامه شش ساله دولت خاتمی، با قاطعیت می توان گفت که نظریه امکان استحاله و اعتقاد به اصلاح پذیری رژیم ولایت فقیه با شکست کامل روبرو شده است. به بن بست رسیدن روند اصلاحات هم چنین شاهدی است بر این نظر که با حفظ رژیم ولایت فقیه، آن گونه که زمانی رهبران جبهه دوم خرداد ابراز می کردند، نمی توان به آزادی، جامعه مدنی و حکومت مردم سالار دست یافت. عقیم ماندن تلاش های خاتمی و همفکران او برای تعدیل اساسی سیاست های سرکوبگرانه و شکستن بن بست انحصار حاکمیت توسط مشتکی تاریک اندیش و مزدوران مسلح و نیمه مسلح آنان نیز نشان داد که نمی توان در چارچوب ساختار موجود ولایت فقیه انتظار تحولاتی جدی و بنیادین داشت. تحولات سیاسی سال های گذشته بار دیگر بر این تحلیل مهر تأیید زد که

مبارزه در راه طرد رژیم "ولایت فقیه" مهم ترین صحنه مبارزه برای برون رفت از بحران همه جانبه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور است. ما در سال های اخیر با تکیه بر ضرورت سازمان دهی جنبش توده یی و نیروهای اجتماعی معتقد هستیم که سرنوشت جنبش و مبارزه در راه ایجاد تغییرات اساسی و بنیادین در میهن ما ارتباط ناگسستنی با تلاش واحد همه نیروهای سیاسی معتقد به آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی دارد و باید همه تلاش ها را متوجه این امر کرد.

رفقای عزیز!

حزب توده ایران با شناخت از مبارزه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و پیکار فدائیان در سه دهه گذشته در راه آزادی و استقلال و برای برقراری عدالت اجتماعی در میهن ما، خواهان ایجاد روابط نزدیک تر برای فعالیت های مشترک، در جهت یاری رساندن به مبارزه خلق های میهن مان است. حزب ما با آگاهی به وجود تفاوت در دیدگاه ها، بر سر این یا آن موضوع در گذشته و حال، هم چنان معتقد است که برای تحقق بخشیدن به خواست های برحق زحمتکشان و مبارزه با ارتجاع و استبداد، حزب و سازمان می توانند بر اساس نکات مورد توافق از جمله مبارزه برای راهی میهن از بندهای استبداد "ولایت فقیه" گام های عملی و جدی بردارند.

حزب ما بر این باور است که با وجود بحران همه جانبه در عرصه های مختلف جامعه و بحران مشروعیت نظام، و ضرورت تاخیر ناپذیر تحولات بنیادین و تامین حقوق و خواسته های مردم، تا زمانی که ضعف اساسی جنبش و نیروهای آزادی خواه و مترقی را عدم سازمان یافتگی و نبود یک برنامه مشخص مبارزاتی مشترک تشکیل می دهد، دست یابی به تحولات بنیادین، امری است غیر ممکن. به اعتقاد ما احزاب و سازمان های چپ ایران باید با اتحاد خود نقش موثرتری در حوادث و رویدادهای کشور داشته باشند. اگر این احزاب و سازمان ها بتوانند به پراکندگی و دشواری های امروز خود غلبه کنند، بی شک با اتکاء به پایگاه وسیع اجتماعی خود در بین توده های کار و زحمت، و نارضایتی عمیق توده ها نسبت به رژیم، یکی از نیروهای عمده تحولات میهن خواهند بود. با چنین درک و ضرورت درنگ ناپذیری است که حزب توده ایران با طرح "منشور آزادی" و پیش نهاد تشکیل "جبهه واحد ضد دیکتاتوری" از همه نیروهای آزادی خواه و دموکراتیک کشور برای مبارزه مشترک و همه جانبه بر ضد رژیم استبدادی دعوت کرده است، و آمادگی خود را برای گفت و گو و مذاکرات دو جانبه و چند جانبه بین احزاب و سازمان های مردمی از جمله سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اعلام کرده است. ما این امر را یک وظیفه ملی و میهنی می دانیم و بر این باوریم که پیروزی ما در گرو اتحاد ماست!

رفقای گرامی!

اجازه دهید که در پایان، یک بار دیگر برای کنگره فوق العاده سازمان، در یافتن راه حل های مناسب جهت تشدید فعالیت و تقویت صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آرزوی موفقیت کنیم. با درودهای فراوان به خاطره تابناک شهدای فدایی و همه شهیدان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی میهن.

**برقرار باد اتحاد تمامی نیروهای آزادی خواه و مردمی در راه
تشکیل یک جبهه واحد برای دست یابی به آزادی، استقلال و
عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!**

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب ...

گذارد. ادامه حیات رژیم استبدادی ولایت فقیه با وجود مخالفت گسترده و قاطع ده ها میلیون ایرانی، که حداقل در شش سال گذشته به دفعات این خواست روشن را از طریق امکانات بسیار محدود، از جمله در جریان انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ و دیگر فرصت های پس از آن به نمایش گذاشته اند، در کنار رشد نظامی گری و اوج گیری تنش در منطقه و همچنین اشغال نظامی کشورهای همسایه ایران توسط نیروهای نظامی امپریالیسم آمریکا و انگلیس، در مجموع اوضاع بسیار نگران کننده بی را برای کشور ما پدید آورده است. اتخاذ سیاست ماجراجویانه و بی توجهی به سرنوشت کشور و خطرات فاجعه باری که در صورت درگیری نظامی مردم ما را تهدید می کند در کنار ادامه جو فشار و خفقان و بی توجهی کامل به خواست مردم دو روی یک سکه شیوه و اصول حکومت مداری سردمداران رژیم ولایت فقیه است که امروز مهمترین سد راه پیشرفت جامعه ما برای خلاصی از بحران همه جانبه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. امروز سردمداران رژیم، خصوصاً مدافعان ذوب در ولایت پنهان نمی کنند که مهمترین هدف آنان سرکوب کامل خواست های مردم و جنبش اصلاح طلبی و حفظ پایه های حکومت فقهی به هر قیمتی است. به بند کشیدن صدها مبارز دگراندیش، کشتار زندانیان سیاسی، که در پانزده سال گذشته رقم آن سر به هزاران قربانی می زند در کنار استفاده خشن و خونین از «ابزار قانون» و «دستگاه قضایی» کشور به عنوان بخش دره تنیده بی از دیگر ارگان ها و نهادهای نظامی و سرکوبگر نشان می دهد که توهم دست یابی به «توافق» با مرتجعان حاکم برای تحقق خواست و انتظارات مردم سراب خطرناکی است که می تواند تنها ثمره آن طولانی تر کردن حیات رژیم استبداد باشد. تجربه سال های اخیر نشان داده است که تنها با اتکاء به توان توده های سازمان یافته می توان ارتجاع حاکم را به عقب نشینی وادار کرد. تجربه شکست دولت خاتمی برای جلب توافق سران حاکم به منظور دست یابی به برخی تغییرات محدود در زمینه حقوق شهروندان پایان تجربه نظریه «استحاله پذیری» رژیمی بود که آینده خود را تنها با ادامه استبداد مطلق، خشن و خون ریز ممکن می داند.

ما در هفته های اخیر شاهد رشد گرایش های مثبتی در زمینه همکاری و همیاری قشرهای وسیع تری از نیروهای مخالف استبداد و خودسری و روی آوردن این نیروها به اشکال موثرتری از مخالفت با سیاست های تحمیلی کنونی هستیم که در صورت گسترش و کشاندن آن به درون جامعه و بسیج نیروهای اجتماعی خصوصاً کارگران و زحمتکشان، دانشجویان، زنان و جوانان می تواند تأثیر مهمی در روند کنونی برجای گذارد.

رفقا، هواداران و دوستان حزب

حزب ما در چنین اوضاع بحرانی و خطرناک کشور و در آستانه برگزاری پنجمین کنگره خود به استقبال سالی مهم در تاریخ شصت و دو ساله اش می رود. ادامه حیات و پیکار حزب توده ایران در درجه اول مدیون فداکاری ها و از جان گذشتگی های هزاران رزمنده توده ای است که در طول این شش دهه با نبرد حماسی خود رزم امان ناپذیر حزب توده ایران را پاس داشتند و توانستند توطئه های گوناگون ارتجاع داخلی و امپریالیسم را برای نابودی حزب ما خنثی کنند. این ادامه حیات و پیکار حزب همچنین مدیون تلاش انبوه قهرمانان خاموشی است که در مهیب ترین مهلکه ها و در دشوارترین آزمون ها جان خود را در کمال فروتنی و انسانیت فدا کردند تا آیندگان خوشه چین ثمرات مبارزه بی گردند که پایان آن آزادی و رهایی خلق های میهن ما از بند های استبداد و استثمار

است. ما امسال در شرایطی به استقبال شصت و دومین سالگرد تأسیس حزب مان می رویم که پانزده سالگی بزرگ ترین جنایت سیاسی تاریخ میهن مان را، یعنی کشتار هزاران زندانی سیاسی، به دستور خمینی و سایر سران رژیم برگزار کردیم. در این فاجعه ملی حزب ما صدها تن از شایسته ترین فرزندان خود را، و کشور ما شماری از برجسته ترین متفکران، و مبارزان راه آزادی را از دست داد. گرامی داشت این نبرد اسطوره بی قهرمانان خاموش حزب و جنبش تجدید عهد ما با آرمان های بزرگ و انسانی کارگران و زحمتکشان میهن ماست.

درد آتشین به خاطر تابناک و جاودان همه شهدای حزب و شهدای راه آزادی و رهایی میهن!

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران
هفتم مهرماه ۱۳۸۲

«نامه مردم» در فستیوال اومانیته

جشن اومانیته، روزنامه حزب کمونیست فرانسه، با شرکت صدها هزار نفر از مردم پاریس و حومه آن و همچنین حضور بیش از صد حزب و سازمان کمونیستی و چپ از کشورهای مختلف جهان، در روزهای ۲۳ تا ۲۵ شهریور ماه (۱۲ تا ۱۴ سپتامبر)، در پارک بزرگ حومه پاریس برگزار شد. رفقای توده ای نیز به رسم همه ساله با برپایی غرفه «نامه مردم» در این جشن بزرگ شرکت کردند. هیأت نمایندگی حزب توده ایران در جریان جشن با نمایندگان احزاب و سازمان های مختلف از کشورهای گوناگون دیدار و نمایندگان احزاب برادر را در جریان آخرین تحولات میهن مان قرار دادند. میز کتاب و نشریات حزب در غرفه «نامه مردم» و رفقای شرکت



کننده در جشن پذیرای مراجعه کنندگان، خصوصاً هموطنان ایرانی بود. رفقای توده ای ضمن گفتگو مراجعه کنندگان را در جریان آخرین مواضع و دیدگاه های حزب توده ایران نسبت به مسایل داخلی و خارجی، از جمله بحران گسترش یابنده رژیم ولایت فقیه و بن بست روند اصلاحات و همچنین اوضاع حاد و پرتنش منطقه و خطر تجاوز خارجی قرار دادند. امسال تابلوی زیبایی از دکتر تقی ارانی، آموزگار زحمتکشان میهن مان، به مناسبت صدمین سالگرد تولد او در غرفه «نامه مردم» جلب توجه می کرد. جشن اومانیته با شرکت پرشور جوانان و برنامه های جالب هنری، فرهنگی و سیاسی پس از سه روز با موفقیت به کار خود پایان داد.

نه مردم سوئد به «یورو»

یکشنبه ۱۳ سپتامبر سال ۲۰۰۳، مردم سوئد در همه پرسی در رابطه با ملحق شدن به «یورو»، پول مشترک اروپا، پاسخ منفی دادند. این در شرایطی اتفاق افتاد که بیش از ۸۰ درصد احزاب دارای کرسی مجلس در سوئد موافق پیوستن این کشور به «یورو» بودند.

در همه پرسی اخیر، تعداد شرکت کنندگان در مقایسه با دیگر نظرخواهی‌ها و انتخابات در چند سال اخیر بی سابقه بود، که خود از اهمیت این موضوع برای مردم حکایت می‌کرد. بیش از ۸۳/۳ درصد مردم در این همه پرسی شرکت کردند که در مقایسه با انتخابات مجلس، ۳/۲ درصد بیشتر بود. از این تعداد ۵۶/۲ درصد به پیوستن سوئد به یورو، «نه» گفتند و در مقابل ۴۱/۸ درصد پاسخ «آری» دادند و ۲/۸ درصد نیز آرا سفید به صندوق‌ها ریختند. این همه پرسی شکستی سنگین برای جبهه «آری» بود. جبهه بی که ۸۰ درصد مجلس را تشکیل می‌دهد و قدرت دولتی و اجرایی را در اختیار دارد. از سوی این جبهه تبلیغات فراوانی در چند سال اخیر صورت گرفته بود تا «کرون»، واحد پولی سوئد، را به «یورو» تبدیل کند.

تصمیم مردم برای رد پیوستن به یورو درک درست آن‌ها از نتیجه شرایط اقتصادی وخیم تری است که پس از پیوستن به «یورو» در سایر کشورهای اروپایی بوجود آمده است و نمایشگر عدم اعتماد مردم سوئد به سیاست‌های اقتصادی اتحادیه اروپاست. سیاست اقتصادی بی که به باور مردم، استاندارد‌های زندگی را در سوئد دگرگون خواهد کرد و شرایط وخیم تری را برای آنها بوجود خواهد آورد. جواب «نه» مردم سوئد می‌تواند موقعیت «یوران پرشون»، نخست وزیر این کشور را چه در سوئد و چه در اتحادیه اروپا تضعیف کند، همچنان که از سوی روزنامه انگلیس فاینشال تایمز «مورد انتقاد قرار گرفت. به نظر کارشناسان این روزنامه، زمان انتخاب شده برای همه پرسی مناسب نبود و «پرشون» باید پاسخ‌گوی همه پرسی باشد که در «زمان نامناسب» صورت گرفته است، چراکه سوئد به تنهایی در چند سال اخیر توانسته است در مقایسه با سایر کشورهای اتحادیه اروپا اقتصاد خود را بهتر پیش ببرد.

نتیجه این همه پرسی علاوه بر تأثیر منفی‌ای که در اتحادیه اروپا داشته است، انگلستان را نیز در موقعیتی دشوارتر برای پیوستن به «یورو» قرار داده است. در چند هفته اخیر محافل سرمایه داری و سیاست مداران انگلستان با امید به پیروزی جبهه «آری» مترصد برگزاری همه پرسی در سوئد بودند. نتیجه همه پرسی سوئد ضربه دیگری به دولت: «تونی بلر» بود که خواستار الحاق انگلستان به «یورو» است و در حال حاضر نیز در گیر بحران حادث از افساء «دروغ‌گویی» در مورد وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق است. این نتیجه کار دولت «بلر» را برای پیوستن به «یورو» به مراتب دشوارتر خواهد کرد. از سویی تعمیق عدم اعتماد مردم به دولت «بلر» و از سوی دیگر همه پرسی در سوئد، شرایط سخت تری را برای دولتمردان انگلستان به وجود خواهد آورد.

در سوئد به رغم این که مردم سوئد با حضور فعال خود به طرح سرمایه داری این کشور در مورد پیوستن به «یورو» «نه» گفتند، دولت سوئد در تدارک سیاست‌های جدیدی برای تحمیل شرایط خود به مردم این کشور خواهد بود و به طور یقین دولت سرسپرده انحصارهای فراملی به دنبال راه‌هایی خواهد بود که بدون همه پرسی، کشور را تسلیم خواست‌های اتحادیه اروپا نماید.

ادامه ۱۱ سپتامبر، روشنگری‌های بی سابقه ...

شد، جنگنده‌های نیروی هوایی برای بررسی و خودداری از ادامه پرواز آن اعزام می‌شوند، در ۱۱ سپتامبر هیچگونه عمل موثری انجام نشد. او احتمال اینکه «دفاع ضد هوایی آمریکا به عمد در روز ۱۱ سپتامبر از آماده باش خارج شده بودند»، را مطرح می‌کند. بر اساس مقاله مایکل میچر، یک دادستان فدرال سابق آمریکا با زیر علامت سؤال بردن عملکرد نیروهای امنیتی - نظامی این کشور گفته است که «اطلاعاتی که توسط سرویس‌های اطلاعاتی از روزهای قبل از ۱۱ سپتامبر در رابطه با این حمله فراهم شده بود، آنقدر متوسط بود که غیر ممکن است بگوئیم سیا و اف.بی.آی اهمال و بی کفایتی نشان دادند.»

میچر همچنین فاش می‌کند که بعد از ۱۱ سپتامبر «هیچ کوشش جدی برای دستگیری بن لادن صورت نگرفته است». ژنرال مایرز - رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا در آوریل ۲۰۰۲ به آژانس خبری فرانسه می‌گوید: «هدف هیچگاه دستگیر کردن بن لادن نبوده است.» از طرف دیگر نیروی هوایی آمریکا در نوامبر ۲۰۰۱ شکایت می‌کند که ۱۰ بار رهبران القاعده و طالبان را در معرض دید داشته است اما هیچگاه فرمان حمله به آن داده نشد. مایکل میچر می‌گوید «هیچکدام از این شواهد جمع آوری شده، که همه آن‌ها از منابعی که در دسترس عموم هستند، آورده شده اند، در انطباق با ایده یک جنگ واقعی و مصمم با تروریسم نیست.» سیاستمدار سرشناس انگلیسی در ادامه مطرح می‌کند که: «اما هنگامی که این مجموعه شواهد را به موازات طرح «جنگ بر ضد تروریسم» مورد توجه قرار دهیم تنها به این نتیجه خواهیم رسید که «جنگ بر ضد تروریسم» را عمدتاً به مثابه پرده استار عامدانه‌ای برای اهداف استراتژیک ژئوپلیتیک ایالات متحده عمل کرده است. تونی بلر، نخست وزیر انگلیس از اینکه چگونه رخدادهای ۱۱ سپتامبر به آماده کردن افکار عمومی برای حمله به افغانستان کمک کرد، سخن گفته است. میچر به صراحت می‌گوید که «تراژدی ۱۱ سپتامبر در حقیقت چهارچوب بسیار مناسبی را برای به اجرا گذاردن طرح‌های از قبل تهیه شده توسط محافل پر قدرت محافظه کار در قلب دولت آمریکا فراهم کرد.»

در گزارشی که در ابتدای دوره ریاست جمهوری بوش برای «گروه مطالعات انرژی» تحت رهبری دیک چنی، معاون رئیس جمهوری آمریکا، تهیه شده بود به طور مشخصی به معضل تامین مداوم و با ثبات انرژی برای ایالات متحده، وابستگی بازارهای آمریکا به جریان نفت از خاورمیانه و فاکتور عمده عراق به مثابه یک تولید کننده اصلی نفت که شرایط بی ثباتی دارد، اشاره شده و ضرورت «مداخله نظامی» آمریکا مطرح و پیشنهاد می‌شود. مایکل میچر پس از ارائه سیستماتیک فاکت‌های مشخص نتیجه می‌گیرد که «با توجه به چنین زمینه‌ای، تعجب آور نیست که برخی‌ها کوتاهی‌های آمریکا در جلوگیری از حملات ۱۱ سپتامبر را به عنوان ایجاد کننده یک دستاویز ذیقیمت برای حمله به افغانستان در جنگی که از قبل دقیقاً طراحی شده بود، مطرح می‌کنند.» او با اشاره به سابقه تاریخی چنین امری در سیاست گذاری آمریکا، اهمال عمدی دستگاه نظامی - دفاعی ایالات متحده در ابتدای جنگ جهانی دوم در عدم جلوگیری از حمله ژاپن به بندر «پرل هاربور» به مثابه عاملی برای آماده کردن افکار عمومی آمریکا را برای قبول شرکت این کشور در جنگ، مورد توجه قرار می‌دهد. میچر آگاهانه یک بخش کلیدی سندی را که در سپتامبر ۲۰۰۰ در عالیترین محافل تصمیم گیرنده محافظه کار در دولت آمریکا مورد مطالعه بوده است، را نقل قول می‌کند: «روند تبدیل ایالات متحده به یک «نیروی مسلط فردا»، در صورت عدم وجود «یک رخداد فاجعه آمیز و تسریع کننده، مانند یک پرل هاربور جدید»، ممکنست که روندی طولانی باشد.»

ادامه ۱۱ سپتامبر روشنگری های بی سابقه ...

یکی از تبعات طبیعی افشاگری های بی سابقه، مستند و پیاپی در مورد ساختگی و بی پایه بودن ادعا های ایالات متحده و انگلستان در رابطه با «سلاح های کشتار جمعی» عراق، این است که افکار عمومی کشورهای غربی و به ویژه آمریکا و انگلستان شدیداً به دولت های حاکم بی اعتماد شده اند. این افشاگری ها در رابطه با سند سازی های سازمان های اطلاعاتی و عالی ترین محافل دولتی به این معنی بوده است که عملاً همه ادعا های دولت های حاکم بر این کشورها به ویژه در مورد مسائل کلیدی دگر باره زیر ذره بین صاحب نظران و تحلیل گران مستقل قرار بگیرد. در دو سال گذشته مقالات متعددی در رابطه با ۱۱ سپتامبر، عوامل واقعی موثر در شکل گیری چنین رخداد فاجعه آمیزی و حتی دخالت سازمان های اطلاعاتی و امنیتی غرب در آن منتشر شده است. برخی از این مقالات بر پایه فاکت های مشخص و نتیجه گیری های منطقی، انگشت اتهام را به سوی محافل پر قدرت دولتی تصمیم گیرنده ایالات متحده متوجه کرده اند. محافل پر قدرتی که موفق شده اند با بهره گیری از شرایط بی سابقه ایجاد شده به دلیل این اقدام تروریستی بی سابقه در جهت تثبیت برتری نظامی ایالات متحده قدم های عمده بی بردارند. «نامه مردم» تاکنون در چندین فرصت نتیجه گیری های عمده این مقالات در رابطه با تراژدی ۱۱ سپتامبر را منتشر کرده است. در ۱۵ شهریور ماه، روزنامه معروف گاردین، چاپ لندن، با انتشار مقاله مفصلی به قلم مایکل میچر، سیاستمدار معروف و پرنفوذ انگلیس که در شش سال گذشته و تا همین سه ماه قبل از وزرای اصلی دولت تونی بلر بوده است، به طور بی سابقه ای انگشت اتهام را به سوی جورج بوش و دایره محدود سیاستمداران پر قدرت در اطراف او متوجه کرد. نظرات مایکل میچر، که به شدت خشم و عکس العمل دولت های آمریکا و انگلستان را بر انگیخت، از این نظر مهم است که او تا مدتی پیش در جلسات کابینه انگلستان شرکت فعال داشته و از اطلاعات مطرح شده در مباحث کابینه دولت دقیقاً اطلاع دارد. او با جمع آوری دقیق و حساب شده و وسیع فاکت ها و نتیجه گیری منطقی از آن ها به برخی داده ها و از جمله احتمال دست داشتن برخی محافل رسمی ایالات متحده در حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر اشاره می کند. میچر بر این باور است که درست یکسال قبل از حمله تروریستی به ساختمان های مرکز تجارت جهانی و پنتاگون، یعنی در سپتامبر سال ۲۰۰۰، سندی تحت عنوان «بازسازی ارگان های دفاعی ایالات متحده» توسط یک گروه تحقیقاتی محافظه کار افراطی برای مطالعه و تصمیم گیری به دیک چنی (معاون رئیس جمهوری)، دونالد رامسفلد (وزیر دفاع)، پل وولفویوتز (معاون رامسفلد)، جب بوش (برادر کوچکتر رئیس جمهوری) و لوئیس لیبی (مسئول دفتر دیک چنی) ارائه شده بود. این سند به وضوح نشان می دهد که کابینه بوش کاملاً مصمم بوده است که کنترل منطقه خلیج فارس را بدست بگیرد، حالا چه صدام حسین در قدرت باشد و چه نباشد. این سند متذکر می شود که: «در حالی که درگیری حل نشده با عراق، توجیه لازم را فراهم می کند، نیاز به حضور یک نیروی نظامی قابل ملاحظه آمریکایی در خلیج فارس، و رای مساله رژیم صدام حسین می باشد.» در کنار این سند باید سند دیگری را که قبل از آن توسط «ولفویوتز» و «لوئیس لیبی» تهیه و در آن مطرح شده بود که: «ایالات متحده می بایست کشورهای صنعتی پیشرفته را از به چالش طلبیدن رهبری ما و یا حتی از اینکه نقش بزرگتر منطقه یی و یا جهانی بازی کنند، بر حذر دارد.» این سند به متحدان کلیدی آمریکا، نظیر انگلستان، به مثابه «موثر ترین و کارآترین وسیله برای اعمال رهبری جهانی ایالات متحده» اشاره می کند و معتقد است که در رابطه با نیروهای حافظ صلح تامین «رهبری سیاسی آمریکا به عوض سازمان ملل» ضرورت دارد. این سند همچنین اضافه می کند که «حتی اگر صدام حسین از صحنه خارج شود» پایگاه های آمریکا در عربستان سعودی و کویت بطور دائمی باقی بمانند چرا که «ایران ممکنست از نظر منافع آمریکا خطری بزرگتر از عراق محسوب شود.» همین سند چین را برای «تغییر رژیم» مورد هدف قرار می دهد و می گوید «زمان آن رسیده است که حضور نیروهای

آمریکایی در جنوب شرق آسیا را افزایش بدهیم.» مایکل میچر در ادامه در رابطه با این اسناد، آن ها را «دستور کاری برای تسلط آمریکا بر جهان» می داند. او با زیر سؤال بردن ادعای آمریکا که جنگ بر ضد افغانستان و عراق بخش هایی از «جنگ جهانی بر ضد تروریسم» می باشند، معتقد است که نباید از کنار این سندهای مورد اشاره در بالا به عنوان تفکرات فانتزی گونه نیروهای دست راستی بگذریم، بلکه باید قبول کنیم که این «اسناد توضیح بسیار بهتری برای رویداد ها چه قبل و چه در جریان و چه بعد از ۱۱ سپتامبر می باشند.» مایکل میچر مطرح می کند «مشخص است که مقامات ایالات متحده هیچ کاری برای جلوگیری از وقایع ۱۱ سپتامبر نکردند. حداقل ۱۱ کشور جهان در مورد حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر به آمریکا اعلام خطر کردند. دو متخصص برجسته موساد در ماه اوت ۲۰۰۱ برای مطلع کردن سیا و اف.بی.آی در مورد وجود یک هسته ۲۰۰ نفری تروریستی که آماده یک عملیات بزرگ می شوند، به واشنگتن مسافرت کردند» (روزنامه دیلی تلگراف، ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۱). این لیست شامل اسامی ۴ تن از هواپیماربایان بود، که هیچکدام دستگیر نشدند. میچر همچنین مطرح می کند که در سال ۱۹۹۶ در رابطه با طرح های تروریستی برای حمله به هدف هایی در واشنگتن توسط هواپیما اطلاعاتی موجود بوده است. در سال ۱۹۹۹ در یک گزارش شورای اطلاعات ملی آمریکا خاطر نشان گردیده بود که بمب گذاران انتحاری «القاعده» می توانند یک هواپیمای پر از مواد منفجره قوی را به ساختمان مرکزی سیا و یا کاخ سفید و یا پنتاگون بزنند.

۱۵ تن از هواپیماربایان حادثه ۱۱ سپتامبر ویزای خود را در عربستان گرفته بودند. مایکل میچر فاش می کند که بر طبق نشریه «نیوزویک» مورخه ۲۰ ماه مه ۲۰۰۲، یک مامور «اف.بی.آی.» اظهار داشته است که در جریان دستگیری و بازجویی از یکی از اعضای گروه تروریستی هواپیما ربا به نام «موسوی» درست یک ماه قبل از حمله تروریستی، مقامات آمریکایی می دانستند که نقشه او پرواز، هدایت و زدن یک هواپیما به برج های دوقلوی مرکز تجارت جهانی بوده است.

میچر همچنین حقیقت عکس العمل سؤال برانگیز و مشکوک نیروی هوایی آمریکا در عدم جلوگیری از ادامه پرواز ۴ هواپیمای ربهوده شده به سوی اهداف خود، که اطلاعات آن بلافاصله در اختیار مقامات امنیتی و نظامی آمریکا گذاشته شده بود، را زیر ذره بین قرار می دهد و سؤال می کند که چرا در نقض اصلی ترین مقررات مربوطه که مقرر می دارد هنگامی که حتی یک هواپیما از مسیر خود خارج

ادامه در صفحه ۷

کمک های مالی رسیده

۱۰۰ یورو

م. بسابک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر ونه نام اضافی

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 670
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

30 September 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V.

شماره حساب 790020580

کد بانک 10050000

بانک Berliner Sparkasse